ضرورت تعيين دقيق مسأله  
در پژوهش «محاسبه‌پذيري اختيار» در مباني مختلف فلسفي

29 ارديبهشت 1397

موضوع پژوهش «مطلق اختيار» نيست، بلكه هدف بررسي «محاسبه‌پذيري اختيار» در مباني مختلف فلسفي‌ست؛ اين‌كه بدانيم در كدام مكتب فلسفي و بر اساس كدام نظريات علمي مي‌توان اختيار را محاسبه كمّي نمود. بنابراين لازم است به دقت «مسأله» مورد نظر در اين پژوهش را تعريف كرد، تا طرح پژوهش بتواند مسير درستي پيدا نمايد.

# ديدگاه‌هاي مختلف در طرح و تبيين مسأله

1. حجةالاسلام ...: ارائه ديدگاه مكاتب مختلف درباره «مطلق اختيار» كار خوبي‌ست، ولي مسأله ما نيست. مسأله ما «كيفيّت و كميّت و رابطه آن‌ها با هم» است. اين موضوع را در «اختيار» بررسي مي‌كنيم. اساساً بايد ببينيم از نگاه فلسفي «كيفيّت اختيار» با «كميّت اختيار» چه نسبتي دارد. منظور از «محاسبه‌پذيري اختيار» نيز همين است. لذا نياز است ابتدا موضوع پژوهش به درستي تبيين گردد. ما كاري به ادله اثبات يا ردّ اختيار مثلاً نداريم اصلاً.
2. موشَّح: روش طرح مسأله وابسته به مخاطب پژوهش است؛ اگر مخاطب «حوزوي» است، مسأله اين‌طور طرح مي‌شود كه آراء يك به يك طرح مي‌شود و عدم امكان محاسبه در آن‌ها ثابت مي‌گردد، تا به آخرين نظريه مي‌رسيم. اما اگر مخاطب «دانشگاهي» باشد، به گمانم بايد آن‌طور كه دكتر ... فرمودند ابتدا دسته‌بندي «ناسازگارباوري» و «سازگارباوري» را طرح كنيم، سپس تمامي آراء را ذيل اين دو جمع نموده و به صورت كلّي امكان محاسبه‌پذيري را در آن‌ها بررسي كنيم. چه بسا رشته تخصّصي مخاطب يا همان كارفرماي پروژه نيز مهم باشد؛ فيزيكدان است مثلاً يا رياضيدان.
3. دكتر ...: در غرب بسياري از مكاتب مي‌گويند اختيار اصلاً قابل محاسبه نيست به دليل اين‌كه هر چه محاسبه‌پذير باشد متعيّن است، از پيش تعيين شده. پس به دليل اين‌كه از پيش تعيين شده، ديگر اختيار در آن معنا ندارد. اختيار و تعيّن با هم سازگار نيستند. پس اختيار نمي‌تواند قابل محاسبه باشد. در اين نوع نگاه كه يكي از نگاه‌هاي مهم غربي است، محاسبه‌پذيري اختيار به بن‌بست مي‌رسد. ولي از منظر شيعه، وقتي حضرت امير (ع) مي‌فرمايند: از قضاي الهي به قدر الهي پناه بردم؛ امرٌ بين‌الامرين كه گفته مي‌شود، هم تعيّن در آن هست و هم اختيار. پس به جاي اين‌‌كه تك‌تك آراء مكاتب را جمع كنيم، مي‌توانيم آن‌ها را ذيل اين دسته‌بندي‌ها قرار دهيم و ادله آن‌ها كه مشترك است را بررسي و نقد كنيم. به اين ترتيب سريع‌تر مي‌توان به نتيجه رسيد. پله اول بحث، امكان محاسبه‌پذيري اختيار شيعي است؛ آيا اين نوع اختيار محاسبه‌پذير هست؟!
4. موشَّح: براي طرح صحيح مسأله، بايد بدانيم هدف واقعي اين پروژه چيست. آيا قصد ما اين است كه حقيقتاً بگرديم، شايد مبنايي فلسفي بيابيم كه مي‌تواند اختيار را محاسبه كند؟! يا اين‌كه ما يقين داريم هيچ مكتب فلسفي قادر به محاسبه اختيار نيست و ما نظريه نهايي را داريم، صرفاً براي اقناع كارفرما، براي اين‌كه ساير پروژه‌هاي ما را بپذيرد، اين پژوهش را انجام مي‌دهيم. مثال: حجةالاسلام سيدشمس‌الدين حسيني فرمودند: ما به دنبال رياضياتي هستيم كه بتواند حركت بالاختيار را محاسبه نمايد و خواستند شبيه كاري كه دكارت انجام داده و حركت جبري را محاسبه نموده با استفاده از ابداع مختصّات دكارتي، براي حركت اختياري انجام دهيم. بنده يك ايده‌اي را ارائه كردم، سپس ايشان فرمودند كه ما رياضيات اختياري را داريم و معتقديم همان روش توليد تعاريف كاربردي استاد حسيني (ره) است. بنابراين هدف ايشان از طرح آن بحث، صرفاً متقاعد نمودن مخاطب به مقصود خود بود. اگر اين پروژه چنين هدفي دارد، بايد طرح مسأله به صورتي اقناعي پيش برود. اما اگر واقعاً دنبال تعريفي از اختيار مي‌گرديم كه محاسبه‌پذيري را ممكن سازد و با ديدي باز و به دور از قضاوت پيشيني باشد، طرح مسأله طور ديگري مي‌شود.
5. دكتر ...: مسأله ما اين‌طور طرح مي‌شود كه ما مي‌خواهيم براي تغيير و توسعه در حوزه علوم انساني برنامه‌ريزي كنيم و اين نيازمند محاسبه است. اثبات اين ديگر نياز به پاسخ‌هاي حجج‌الاسلام سيدشمس‌الدين حسيني و ... دارد. اصلاً هدف اين است. از اين نقطه آغاز مي‌كنيم. عنصر محوري در علوم انساني اختيار است و ما نياز داريم تا آن را محاسبه نماييم. براي اين‌كار يا بايد دستگاهي موجود داشته باشيم كه بتواند محاسبه نمايد و يا دستگاهي مطلوب. دستگاه‌هاي موجود بر دو دسته هستند؛ يا اصولاً اجازه محاسبه را نمي‌دهند و يا اگر اجازه مي‌دهند، يا خودشان محاسبه مي‌كنند، اشتباه مي‌كنند و به جاي محاسبه اختيار، چيز ديگري را محاسبه مي‌نمايند.
6. آقاي ...: مي‌شود دو مسأله را با هم جمع كرد. براي اين‌كه هم يك كار عامّ‌المنفعه بشود و هم به موضوع نياز خود ما باز گردد، هم اختيار را موضوع قرار بدهيم و به آن بپردازيم و هم بحث محاسبه‌پذيري آن را. تمامي آراء درباره اختيار را بياوريم، ولي انسجام داشته باشد و حول محاسبه‌پذيري گرد بيايد. مباحث را از كيفيّت اختيار تنزّل ندهيم و صرفاً به محاسبه‌پذيري اكتفا كنيم. بگوييم «كيفيّت اختيار و رابطه آن با محاسبه‌پذيري» تا بشود مباحث پيشيني را هم آورد. حتي علّت‌ها را هم ذكر كنيم، مثلاً آن‌هايي كه علّت اختيار را فيزيولوژيك تبيين مي‌كنند، شايد اين به محاسبه‌پذيري نزديك باشد. همه مباحث اختيار آورده شود، اما با پيوستگي و انسجام، نه به صورت گتره‌اي. با دقّت عنواني انتخاب شود و سپس يك پلن به صورت مشترك براي آن مشخص شود و فصل‌‌بندي‌ها و ريزموضوعات آن تعيين گردد.
7. دكتر ...: ما تا جايي وارد بحث اختيار مي‌شويم كه به محاسبه‌پذيري ارتباط دارد و حدود تعيين‌كننده محاسبه‌پذيري اختيار اين چند مفهوم هستند: «كيفيّت»، «كميّت»، «امكان»، «ضرورت»، «تعيّن». در واقع، اختيار در كنار امكان و كيفيّت و كميّت نشسته است و با هم گفتگو مي‌كنند، تا حدود و ثغورشان مشخص شود. اندك مكاتبي وجود دارند كه دقيقاً به سراغ محاسبه‌پذيري اختيار رفته باشند. بنابراين مكاتبي كه درباره ضرورت و امكان و تعيّن اختيار هم صحبت كرده باشند، موضوع بحث مي‌باشند، اين‌ها به طور بالقوّه با محاسبه‌پذيري موافق يا مخالف‌اند. ما بايد لوازم و اسباب محاسبه‌پذيري را بسنجيم. به عنوان مثال، آن‌هايي كه تعيّن را با اختيار قابل جمع دانسته‌اند، مي‌توانند به محاسبه‌پذيري اختيار هم معتقد باشند.

# ديدگاه‌هاي مختلف در روند بررسي مسأله

1. موشَّح: آراء هر كدام از مكاتب فلسفي به صورت مستقل نگارش يابد؛ تعريف اختيار از نظر آن مكتب و امكان محاسبه‌پذيري اختيار در آن تعريف بررسي گردد. در صورت ناممكن بودن، دلايل ردّ آن نظريه بيان گرديده و سپس به سراغ مكتب بعدي برويم، تا در نهايت به ديدگاه فرهنگستان برسيم.
2. دكتر ...: حتماً بايد ابتدا يك كتابي تدوين شود، تا نظريات كلّي و پايه و مفهوم‌شناسي درباره محاسبه‌پذيري اختيار در آن بيان گردد، سپس شاخه شاخه شود و به مكاتب مختلف بپردازد.
3. موشَّح: در روش دوم، مي‌شود آراء تمامي مكاتب فلسفي را به صورت مقايسه‌اي و در كنار هم مورد ارزيابي قرار داد. به اين صورت كه تعاريف اختيار در تمامي مباني ذكر شود و دسته‌بندي گردد و سپس از منظر امكان محاسبه‌پذيري يا ادعاي محاسبه مورد نقد و بررسي قرار گيرد.
4. آقاي ...: در مكاتب فلسفي اسلامي از «محاسبه‌پذيري اختيار» سخني به ميان نيامده است و نمي‌توان در اين خصوص ادعايي را از جانب آنان طرح كرد. بنابراين بررسي تك‌تك مكاتب فلسفي اسلامي، مستقل از مقايسه آن‌ها با مباني غربي نسبتي روشن با «محاسبه‌پذيري» پيدا نكرده و كاري ابتر است، ناگزير بايد آن‌ها را در كنار هم نقد و بررسي نمود.
5. موشَّح: در مبناي فلسفي فرهنگستان نيز به صراحت از «محاسبه‌پذيري اختيار» بحث نشده است. بلكه حجةالاسلام سيدشمس‌الدين حسيني مي‌فرمايند كه روش توليد تعاريف كاربردي همان ابزار محاسبه اختيار است. لذا اين ادعا تازه مطرح شده است و ظاهراً مستندات آن در منابع فرهنگستاني موجود نمي‌باشد.
6. موشَّح: با توجه به حجم بالاي منابع و تنوّع مكاتب فلسفي، بهتر است تقسيم كار شود و بررسي مباني مختلف بر عهده افراد مختلف قرار گيرد.
7. آقاي ...: جمع‌آوري اطلاعات درباره مكاتب مختلف به صورت تيمي و گروهي انجام شود، ولي در نهايت مدوّن نمودن محصول نهايي بر عهده يك نفر قرار بگيرد.
8. دكتر ...: كار به صورت برگزاري جلساتي مشترك به انجام برسد و در آن‌ها مباني مختلف طرح شده و بررسي گردد. در نهايت آقاي موشَّح مباحث را تدوين نمايند.
9. دكتر ...: در نقد و بررسي آراء انديشمندان در خصوص محاسبه‌پذيري اختيار، بايد «بستر» پيدايش نظريات آن‌ها مورد دقت قرار بگيرد. مثلاً احاديثي از ائمه (ع) جمع‌آوري شده كه درباره با اختيار ديدگاه صحيح را تبيين نموده‌اند و بستري براي پيدايش نظريات فلاسفه شيعه شده‌اند. بنده اين نظريات را در احاديث امام صادق (ع) قبلاً استخراج كرده‌ام و حدود و صغور آن را مشخص كرده‌ام.
10. موشَّح: اگر بخواهيم وارد «حديث» بشويم، يك فاز چهارمي به پروژه افزوده مي‌شود؛ ❶ انديشمندان مسلمان، ❷ انديشمندان غربي، ❸ فرهنگستان علوم اسلامي و ❹ اختيار در احاديث. در اين صورت بايد به صورت عميق به جستجو و مطالعه پرداخت تا چيزي جا نماند و كار قابل استدلال باشد.
11. دكتر ...: اين كار قبلاً انجام شده و ديدگاه‌هاي مطرح در احاديث شيعه جايگاه روشن و مشخصي دارند و نياز به تحقيق دوباره نيست. ارجاعات آن نيز در كتاب‌هايي مانند اصول كافي پيدا شده و پراكندگي ندارد تا نياز به تحقيقي مفصل داشته باشند. اين‌ها را من در جلسات گروهي طرح مي‌كنم. مثلاً در ديدگاه اشاعره كتاب «تمهيدات» قبلاً بررسي شده كه باب‌ها و صفحات آن را من عرض مي‌كنم و شما كافي‌ست تتبّع مختصري بنماييد.
12. آقاي ...: دو پروژه مي‌شود؛ يك كلان‌پروژه و يك پروژه خُرد، با هدف‌گذاري مشخص، كاملاً در راستاي كار ما، محاسبه‌پذيري اختيار، تخصّصي‌تر، با مطالبي كمتر، ولي با عمق بيشتر.
13. موشَّح: مي‌توانيم به جاي يك محصول خروجي، چند كتاب با عناوين مختلف تدوين نماييم؛ مثلاً نقد و بررسي آراء ابن سينا درباره اختيار. سپس با يك فروست؛ محاسبه‌پذيري اختيار، همه را با هم مرتبط نماييم و تبديل به يك مجموعه شود. به اين ترتيب ما يك دائرةالمعارف اختيار پديد خواهيم آورد كه جاي آن خالي‌ست و مرجع پژوهشگران قرار خواهد گرفت.
14. دكتر ...: اين شبيه به صراط و سُبُل است. يك صراط واحدي بايد وجود داشته باشد، تا سُبُل بر محور آن تنظيم گردد.

پايان